

تعاون و کشاورزی، سال هشتم، شماره ۳۰، تابستان ۱۳۹۸

## رابطه تعاونی‌های تولید روستایی با پایداری اجتماعی و اقتصادی

### جوامع روستایی استان گیلان

فتح اله کشاورز شال<sup>۱</sup>، جعفر عزیزی<sup>۲\*</sup>، محمدرضا نیک نژاد<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۱۹

#### چکیده

با توجه به نقش و اهمیت تعاونی‌های تولید روستایی در پایداری اجتماعی و اقتصادی جوامع روستایی، هدف کلی پژوهش حاضر بررسی این نقش در روستاهای استان گیلان بود. داده‌های موردنیاز این تحقیق توصیفی-همبستگی با به‌کارگیری پرسش‌نامه، از ۱۸۴ شالی‌کار عضو و غیرعضو تعاونی، که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند، گردآوری شد. روایی پرسش‌نامه توسط پانل متخصصان و تحلیل عاملی اکتشافی و پایایی آن از طریق آزمون آلفای کرونباخ تأیید گردید. پایایی کل مقیاس پایداری اجتماعی و اقتصادی به ترتیب برابر با ۰/۸۶۰ و ۰/۶۴۱ محاسبه شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که بیش از نیمی از شالی‌کاران عضو و غیرعضو از نظر سطح پایداری اقتصادی (۵۶ درصد)، پایداری اجتماعی (۵۸/۲ درصد) و پایداری کل (۷۲/۳ درصد) در سطح نیمه‌پایدار قرار دارند. همچنین اغلب متغیرهای ویژگی‌های ساختاری و نیمی از متغیرهای ویژگی‌های مالی تعاونی‌های تولید با هر دو بعد پایداری اقتصادی و اجتماعی دارای رابطه مثبت و معنی‌دارند، اما رابطه میان ویژگی‌های مدیریتی تعاونی‌های تولید با پایداری اقتصادی و اجتماعی به لحاظ آماری معنی‌دار نبود. میان اعضای تعاونی‌های تولید روستایی و غیراعضا نیز از نظر پایداری اقتصادی تفاوت معنی‌داری وجود دارد، درحالی‌که به لحاظ پایداری اجتماعی تفاوتی بین این دو گروه مشاهده نشد.

واژه‌های کلیدی: شالی‌کاران، تعاونی تولید روستایی، پایداری اجتماعی، پایداری اقتصادی، استان

گیلان

۱. مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان گیلان

۲. دانشیار، گروه مدیریت کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت

jafar574@yahoo.com

\*نویسنده مسئول

۳. کارشناس ارشد سازمان تعاون روستایی گیلان

## مقدمه

روند نزولی وضعیت اقتصاد روستاها، جابه‌جایی و مهاجرت‌های گسترده روستاییان به شهرها، گسترش فقر و بیکاری، عدم امنیت غذایی، قرار گرفتن عمده جمعیت روستایی در حاشیه و مواردی از این دست نشان می‌دهد که در عمل، اهداف حیاتی توسعه مبنی بر افزایش پایدار درآمد، گسترش اشتغال‌های تولیدی و برقراری متعادل‌تر منافع ناشی از رشد در مناطق روستایی با شکست مواجه شده است (قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۸۹). دستیابی به توسعه ملی بدون توجه به توسعه روستایی و کشاورزی و بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی روستاییان امکان‌پذیر نیست. اکثر بهره‌برداران بخش کشاورزی خرده‌پا می‌باشند که کارایی و بهره‌وری تولیدشان به علت عدم استفاده از فناوری‌های نوین در سطح پایینی قرار دارد؛ لذا صاحب‌نظران معتقدند انجام فعالیت‌های تولیدی روستاییان بر اساس همکاری و تعاون می‌تواند موجب ارتقای کارایی و بهبود وضعیت اقتصادی آنان شود (طرفی علیوی و همکاران، ۱۳۸۹). شرکت‌های تعاونی تولید روستایی قادرند ناهنجاری‌های ناشی از وجود قطعات کوچک و پراکنده و نامتجانس بودن زمین‌های زراعی و بسیاری از نارسایی‌های دیگر کشاورزان خرده‌پا را مرتفع سازند و نقش مهمی در توسعه پایدار روستاها ایفا کنند (قزل و کوهستانی، ۱۳۸۹).

روستاییان علاوه بر نقش کلیدی عمده خود در اقتصاد معیشتی و روستایی، به‌عنوان عناصری نامرئی و نامشهود در سطح ملی و اقتصاد کلان کشورها، بخش عظیمی از نیروی انسانی مؤثر در اقتصاد کشورهای جهان و از جمله ایران را تشکیل می‌دهند. اگر توسعه روستایی را فرایند همه‌جانبه‌ای بدانیم که هدف آن ایجاد تحول و بهبود در شاخص‌های مهم زندگی روستاییان (همچون: تولید پایدار و رقابتی، اشتغال مولد و پایدار، درآمد مناسب، توانمندسازی جامعه روستایی، ظرفیت‌سازی در عرصه‌های نهادی، مالی و اعتباری، رفاه اجتماعی و بهبود محیط‌زیست، و فضاها‌ی مسکونی روستاها) است و اگر شرکت‌های تعاونی را واحدهایی اقتصادی و اجتماعی بدانیم که توسط افراد و به‌ویژه افراد دارای امکانات محدود سازماندهی می‌شوند و هدف آنها بهبود بخشیدن به وضعیت اقتصادی و اجتماعی اعضاست، آنگاه ارتباط این شرکت‌ها با توسعه روستایی

به‌خوبی روشن می‌شود (دارچینی، ۱۳۹۱). بخش تعاون با داشتن جنبه اختیاری و با تأکید بر گسترش دانش، تشویق به بحث و انتقاد، اعتمادسازی، برقراری مساوات، نظارت و سرانجام ایجاد حداکثر اطمینان شیوه‌ای است که می‌تواند در روند توسعه به برقراری عدالت اجتماعی و کاهش میزان محرومیت به‌ویژه در طبقات فقیر جامعه منجر شود (زمانی و ابدی، ۱۳۸۸). شرکت‌های تعاونی تولید روستایی، به‌عنوان یک نظام بهره‌برداری، از بسترهای اصلی فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی در بخش کشاورزی به شمار می‌روند که در ابعاد مختلف و با درجات متفاوت، در بهبود وضعیت کشاورزان نقش دارند (پزشکی‌راد و کیانی‌مهر، ۱۳۸۰).

در ادبیات توسعه و پایداری، به ارتباط میان تعاونی‌های تولید و توسعه از دیدگاه‌های متفاوتی پرداخته شده است. فایبگ با بیان این دیدگاه‌ها، بر نقش تعاونی‌های کشاورزی در فرایند توسعه تأکید کرده است. دیامونگ نیز با تحلیل شکل‌گیری تعاونی‌های روستایی، گرایش به این تعاونی‌ها را از جمله راهبردهای توسعه می‌داند (نصیری، ۱۳۸۹). تجربه کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که تعاونی‌ها بهترین سازمان‌هایی هستند که موفق شده‌اند زمینه تجمع نیروهای پراکنده و متفرق و درعین حال بااستعداد و بانگیزه را فراهم سازند (ترکمان و افشار، ۱۳۸۹).

گیسون و انترن (Gibson & Intern, 2005) بیان کردند که تعاونی‌ها وسیله‌ای برای پرداختن به بسیاری از نگرانی‌های اجتماعی و اقتصادی مانند نگهداشت جوانان در مناطق روستایی، حفظ هویت و جلوگیری از خروج منابع مالی از این مناطق و لذا پایداری آنها هستند. آنان تأکید می‌کنند که جوامع ساکن در نواحی شمالی و دورافتاده کانادا، از طریق یک فرایند مستمر تمرکززدایی، می‌توانند با تداوم حرکت به سمت تعاونی‌ها از آنها به‌عنوان فرصتی برای شکل‌دهی به آینده خود استفاده کنند.

بر اساس مطالعه تیلور (Taylor, 2009)، تعاونی‌ها می‌توانند نقش‌های مهم و متفاوتی در توسعه منابع انرژی و پایداری روستا ایفا نمایند و در تجمع ظرفیت اعضای خود مؤثر عمل کنند، اما این نهادها نوشداروی همه مسائل توسعه نیستند. تیلور بیان می‌کند که تعاونی‌ها برای دستیابی

به موفقیت نیازمند برنامه‌های آموزشی، حمایت‌های مالی و سیاسی، چارچوب‌های قانونی سازنده و نظارت دولت‌اند.

پینتو (Pinto, 2009) با بررسی نقش تعاونی‌های کشاورزی و سازمان‌های کشاورزان در توسعه و پایداری روستایی و کاهش فقر، دریافت که تشکل‌ها و شرکت‌های تعاونی کشاورزی در مناطق مختلف روستایی کشورهای در حال توسعه می‌توانند در توسعه روستایی و مقابله با فقر نقش مؤثری ایفا کنند.

نتایج تحقیق کشریمایوم (Kshetrimayum, 2011) در رابطه با ایفای نقش تعاونی‌های مورد مطالعه در توسعه روستایی نشان داد موانع متعددی در زمینه‌هایی همچون مدیریت، فناوری، مواد اولیه، تأمین اعتبارات و ناکارآمدی و فقدان مسئولیت‌پذیری نهادهای دولتی وجود دارد، اما با وجود این، توسعه روستایی می‌بایست همچنان از طریق نهادهایی مانند تعاونی‌ها تحقق یابد.

نتایج مطالعه پورکند و معتمد (۱۳۸۹) نشان داد که تعاونی‌های تولید روستایی در خصوص استفاده بهینه از اراضی کشاورزی، افزایش تولید محصول برنج، کاهش هزینه تولید و افزایش دانش فنی برنج‌کاران تأثیرگذار بوده‌اند.

نصیری (۱۳۸۹) در تحقیقی، به بررسی تأثیر تعاونی‌های تولید کشاورزی بر بهبود شاخص‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در روستاهای شهرستان زنجان پرداخت. نتایج این تحقیق نشان داد تعاونی‌ها بر بهبود شاخص‌های توسعه شامل بهبود الگوی مصرف، افزایش درآمد، جلوگیری از مهاجرت به شهرها، توانمندسازی معیشت، استفاده از تسهیلات بانکی، تعامل و ایجاد اعتماد میان اعضا تأثیر مثبتی دارند.

بلو (Bello, 2005) در مطالعه خود نتیجه گرفت تعاونی‌ها صرف‌نظر از نوع، اندازه و موقعیت جغرافیایی، ابزار منحصربه‌فردی برای دستیابی به اهداف توسعه اقتصادی فراهم می‌سازند. این ابزار عبارت‌اند از: ایجاد مقیاس اقتصادی، بهبود قدرت چانه‌زنی در برابر دیگر گروه‌های اقتصادی، توانایی خرید عمده و کاهش قیمت تمام‌شده نهاده‌ها، تأمین خدمات و محصولات برای

همه افراد، دسترس‌پذیر کردن بازارها و گسترش فرصت‌های بازار، بهبود کیفیت محصولات و خدمات، تأمین اعتبارات از مؤسسات مالی و افزایش درآمد.

به‌هرروی، شرکت‌های تعاونی تولید روستایی نوعی نظام نوین‌اند که با سازمان و مدیریت مختص خود، دارای اصول، مبانی، ساختار، شبکه، مناسبات، قوانین و اساسنامه ویژه‌ای هستند که آنها را در فرایند توسعه روستایی و پایداری همه‌جانبه روستاها از جایگاه مهمی برخوردار می‌سازد. از آنجاکه در کشور ما بسیاری از راهبردها و سیاست‌های توسعه بخش کشاورزی، از طریق شرکت‌های تعاونی کشاورزی و روستایی قابل‌اعمال‌اند، می‌توان گفت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی از مؤثرترین شبکه‌های موجود در سطح روستا هستند که به‌طور مستقیم به کشاورزان و توده‌های روستایی خدمت و در تحقق برنامه‌های کلان کشور نقش مهمی ایفا می‌کنند (طرفی علیوی و همکاران، ۱۳۸۹)؛ بنابراین، برای تبیین پایداری نظام‌های بهره‌برداری و نقش آنها در توسعه پایدار جوامع روستایی باید کلیه عوامل اجتماعی، اقتصادی و بوم‌شناختی مؤثر بر آنها در نظر گرفته شوند (عربیون و همکاران، ۱۳۸۸). بر همین اساس، هدف کلی تحقیق حاضر بررسی رابطه تعاونی‌های تولید روستایی با پایداری اجتماعی و اقتصادی جوامع روستایی استان گیلان بود.

## مواد و روش‌ها

این تحقیق در سال ۱۳۹۶ انجام شد که از نظر روش اجرا، توصیفی و برحسب ارتباط میان متغیرها از نوع همبستگی و واحد تحلیل در آن، فرد (شالی‌کاران عضو شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و شالی‌کاران غیرعضو) بود. جامعه آماری این تحقیق را تمامی کشاورزان عضو تعاونی‌های تولید روستایی استان گیلان تشکیل دادند که بر اساس آخرین آمارهای سازمان تعاون روستایی استان فعال بوده‌اند. از مجموع ۱۶ شهرستان استان گیلان، ۱۳ شهرستان شرکت (های) تعاونی تولید روستایی دارند و شهرستان‌های املش، رودبار و بندرانزلی یا فاقد تعاونی تولید روستایی‌اند و یا شرکت‌هایی غیرفعال دارند. بر این اساس، جامعه آماری تحقیق از ۱۳۲۸۸ نفر از اعضای ۵۳ شرکت تعاونی تولید روستایی مستقر در ۱۳ شهرستان تشکیل گردید. برای تعیین حجم

نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای استفاده شد. در مرحله اول، از بین ۱۳ شهرستان، ۶ شهرستان رشت، آستانه اشرفیه، لاهیجان، فومن، رضوانشهر و تالش به صورت تصادفی انتخاب شدند. در مرحله دوم، از میان ۲۵ تعاونی فعال شهرستان‌های منتخب، ۱۱ تعاونی و در نهایت، با استفاده از فرمول کوکران، ۹۵ نفر از اعضای این تعاونی‌ها، به عنوان نمونه، به صورت تصادفی انتخاب شدند که این تعداد به منظور افزایش دقت نتایج به ۱۰۴ نمونه افزایش یافت. همچنین به منظور تبیین دقیق‌تر تأثیر تعاونی‌ها در پایداری اقتصادی و اجتماعی روستاها و نیز امکان مقایسه عملکرد آنها در این زمینه با عملکرد کشاورزان غیرعضو، تلاش شد تا همین تعداد نمونه نیز از میان کشاورزان غیرعضو انتخاب شوند. لذا از مجموع پرسش‌نامه‌های تکمیل‌شده کشاورزان غیرعضو، با حذف پرسش‌نامه‌های ناقص و دارای اطلاعات مخدوش، مجموعاً داده‌های ۸۰ پرسش‌نامه تحلیل شد. بنابراین، با توجه به ۱۰۴ پرسش‌نامه کشاورزان عضو و ۸۰ پرسش‌نامه کشاورزان غیرعضو تعاونی‌های تولید روستایی، مجموع نمونه مورد مطالعه در پژوهش حاضر برابر با ۱۸۴ نفر بود.

در تحقیق حاضر به منظور تدوین پایه‌های نظری، از مطالعه کتابخانه‌ای و جهت گردآوری داده‌های مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌ها از روش مطالعه میدانی و تکمیل پرسش‌نامه بهره گرفته شد. پرسش‌نامه مورد استفاده در پژوهش حاضر از سه قسمت تشکیل شده است: الف) ویژگی‌های فردی بهره‌بردار و واحد بهره‌بردار؛ ب) پایداری اجتماعی که برای سنجش آن از پنج شاخص اعتماد اجتماعی (۷ سؤال)، انسجام اجتماعی (۳ سؤال)، مشارکت اجتماعی (۴ سؤال)، رفاه اجتماعی (۵ سؤال) و کیفیت زندگی (۸ سؤال) استفاده شد؛ ج) پایداری اقتصادی که برای اندازه‌گیری آن از یک شاخص ترکیبی متشکل از سؤالات کمی و کیفی استفاده شد. بعد کمی پایداری اقتصادی به وسیله شاخص‌های زیر اندازه‌گیری شد: عملکرد در هکتار برنج، مصرف کود در هر هکتار، مصرف سم در هر هکتار، نسبت مقدار تولید به بذر مصرفی، درصد اراضی زیر پوشش بیمه، درآمد در هر هکتار زمین شالی‌کاری، هزینه در هر هکتار زمین شالی‌کاری و تعداد اعضای مشارکت‌کننده خانوار در فعالیت‌های مزرعه. همچنین بعد کیفی پایداری اقتصادی به وسیله

شاخصی متشکل از ۹ سؤال موردسنجش قرار گرفت. تمامی سؤالات مربوط به سنجش پایداری اجتماعی و بعد کیفی پایداری اقتصادی در مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم) ارزیابی شدند.

در پژوهش حاضر برای تعیین روایی پرسش‌نامه تحقیق از روایی محتوا و روایی سازه استفاده شد. برای تعیین روایی محتوایی پرسش‌نامه از پانل متخصصان و به‌منظور تعیین روایی سازه نیز از روش تحلیل عاملی استفاده شد. برای بررسی پایایی پرسش‌نامه تحقیق، ابتدا ۳۰ پرسش‌نامه در جامعه آماری توزیع و گردآوری شد، سپس میزان ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از شاخص‌ها و زیرمقیاس‌های آنها محاسبه گردید. ضرایب آلفای کرونباخ حاکی از پایایی قابل‌قبول تمامی شاخص‌ها و زیرمقیاس‌های تحقیق است. پایایی کل شاخص پایداری اجتماعی برابر با ۰/۸۶۰ و پایایی کل شاخص پایداری اقتصادی برابر با ۰/۸۶۴ به دست آمد.

در این تحقیق، در بخش تحلیل توصیفی، از فراوانی و درصد فراوانی بهره گرفته شد. در بخش تحلیلی استنباطی، برای آزمون فرضیه‌ها و به عبارتی، بررسی رابطه تعاونی‌های تولید از لحاظ ویژگی‌های ساختاری، مالی و مدیریتی (متغیرهای مستقل) با پایداری اقتصادی و اجتماعی جوامع روستایی استان گیلان (متغیر وابسته) به دلیل فاصله‌ای بودن متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون و برای مقایسه سطح پایداری اقتصادی-اجتماعی در میان افراد عضو شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و افراد غیرعضو از آزمون مقایسه میانگین استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با به‌کارگیری نرم‌افزار SPSS انجام گرفت. برای تلفیق مجموعه شاخص‌ها و دستیابی به شاخص نهایی پایداری اقتصادی و اجتماعی، نخست تمامی داده‌ها با استفاده از رابطه زیر به داده‌های استاندارد تبدیل شد:

$$r_{ij} = (x_{ij} - x_{min}) / (x_{max} - x_{min})$$

که در آن، مقدار استاندارد شده،  $x_{min}$  کمترین مقدار شاخص  $i$  ام،  $x_{max}$  بیشترین مقدار شاخص  $i$  ام و  $x_{ij}$  مقدار شاخص  $i$  ام است.

با توجه به مقادیر استاندارد شده، برای تعیین وضعیت هر یک از ابعاد پایداری از طبقه‌بندی پرسکات آلن به شرح زیر استفاده شد:

جدول ۱. مقادیر عددی وضعیت پایداری

معدل	وضعیت پایداری
۰ - ۰/۴	ناپایدار
۰/۴ - ۰/۶	متوسط (نیمه پایدار)
۰/۶ - ۱	پایدار

مأخذ: افتخاری و آقایی هیر، ۱۳۸۶

## نتایج و بحث

### نتایج تحلیل توصیفی

سن ۵۲ درصد پاسخگویان کمتر و ۴۸ درصد بیشتر از ۵۰ سال و سن تنها ۷ درصد بین ۲۰ تا ۳۰ سال و بیشترین فراوانی (۲۷ درصد) مربوط به گروه سنی ۵۱ تا ۶۰ سال بوده است (جدول ۲).

بیش از ۹۹ درصد افراد مورد مطالعه (معدل ۱۸۲ نفر) متأهل و کمتر از ۱ درصد آنها (معدل ۲ نفر) مجرد بوده‌اند (جدول ۲).

در ۲۹ درصد خانوارها، به‌استثنای سرپرست خانوار، هیچ‌یک از اعضای خانواده در فعالیت‌های زراعی مشارکت نمی‌کنند، در حالی که در ۱۶ درصد خانوارها، حداقل ۱ نفر و در ۲۴ درصد حداقل ۲ نفر از اعضای خانوار کشاورز با سرپرست خانوار در زمینه انجام فعالیت‌های زراعی همکاری می‌کنند (جدول ۲).

جدول ۲ نشان می‌دهد از نظر سطح تحصیلات، ۲۱ درصد پاسخگویان بی‌سواد بوده و ۴۸ درصد آنها تحصیلات ابتدایی و راهنمایی داشته‌اند. به‌طور کلی، ۸۸ درصد پاسخگویان تحصیلات دانشگاهی نداشته و تنها ۱۲ درصد دارای مدرک دانشگاهی بوده‌اند.



توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب عضویت و عدم عضویت در تعاونی‌های تولید روستایی نشان می‌دهد که ۵۷ درصد افراد مورد مطالعه را اعضای شرکت تعاونی و ۴۳ درصد آنها را افراد غیرعضو تشکیل داده‌اند (جدول ۲).

جدول ۲. توزیع فراوانی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان

متغیر	گروه	فراوانی	درصد فراوانی
سن	۲۰ تا ۳۰ سال	۱۳	۷
	۳۱ تا ۴۰ سال	۴۰	۲۲
	۴۱ تا ۵۰ سال	۴۳	۲۳
	۵۱ تا ۶۰ سال	۵۰	۲۷
	بالاتر از ۶۰ سال	۳۸	۲۱
وضعیت تأهل	مجرد	۲	۱
	متأهل	۱۸۲	۹۹
تعداد اعضای مشارکت‌کننده خانوار در فعالیت‌های زراعی	هیچ	۵۳	۲۹
	۱ نفر	۲۹	۱۶
	۲ نفر	۴۴	۲۴
	۳ نفر	۳۳	۱۸
	۴ نفر	۱۵	۸
سطح تحصیلات	۵ نفر	۱۰	۵
	بی‌سواد	۳۹	۲۱
	ابتدایی	۳۷	۲۰
	راهنمایی	۵۲	۲۸
	متوسطه و دیپلم	۳۵	۱۹
	فوق دیپلم	۷	۴
	لیسانس و بالاتر	۱۴	۸

متغیر	گروه	فراوانی	درصد فراوانی
عضویت در شرکت‌های	غیرعضو	۸۰	۴۳
تعاونی	عضو	۱۰۴	۵۷

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۳ نشان می‌دهد از نظر مساحت اراضی زیر کشت برنج، ۲۴ درصد افراد مورد مطالعه ۰/۵ و کمتر از نیم هکتار، ۴۲ درصد ۰/۵۱ تا ۱ هکتار و بنابراین، ۶۶ درصد کمتر از ۱ هکتار زمین داشته‌اند. همچنین سطح زیر کشت ۲۷ درصد پاسخگویان بین ۱/۱ تا ۲ هکتار و تنها ۷ درصد این افراد دارای زمین‌هایی با مساحت بیش از ۲ هکتار بوده‌اند.

از نظر میزان درآمد پاسخگویان از برنج کاری جدول ۳ نشان می‌دهد که درآمد ۲۳ درصد از کشاورزان در سال انجام مطالعه کمتر از ۵۰ میلیون ریال، ۳۹ درصد بین ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون ریال و تنها ۱۶ درصد بیش از ۱۵۰ میلیون ریال بوده است.

از نظر هزینه تولید، ۵۴ درصد کشاورزان مورد مطالعه کمتر از ۲۵ میلیون ریال و ۲۹ درصد بین ۲۵ تا ۵۰ میلیون برای تولید برنج هزینه کرده‌اند؛ بنابراین، هزینه تولید برنج ۸۳ درصد کشاورزان مورد مطالعه کمتر از ۵۰ میلیون ریال بوده است (جدول ۳).

به لحاظ عملکرد محصول در واحد سطح، ۵۵ درصد پاسخگویان ۴ و کمتر از ۴ تن در هکتار، ۳۶ درصد ۴/۱ تا ۵ تن در هکتار و ۸ درصد بیش از ۵ تن در هکتار عملکرد داشته‌اند (جدول ۳).

جدول ۳. توزیع فراوانی ویژگی‌های اقتصادی پاسخگویان

متغیر	گروه	فراوانی	درصد فراوانی
سطح زیر کشت برنج	۰/۵ و کمتر از ۰/۵ هکتار	۴۵	۲۴
	۰/۵۱ تا ۱ هکتار	۷۸	۴۲
سطح زیر کشت برنج	۱/۱ تا ۱/۵ هکتار	۳۵	۱۹
	۱/۵۱ تا ۲ هکتار	۱۴	۸
	بیش از ۲ هکتار	۱۲	۷

متغیر	گروه	فراوانی	درصد فراوانی
	کمتر از ۵۰ میلیون ریال	۴۳	۲۳
درآمد از	۵۰ تا ۱۰۰ میلیون ریال	۷۲	۳۹
برنج‌کاری	۱۰۱ تا ۱۵۰ میلیون ریال	۳۹	۲۱
	بیش از ۱۵۰ میلیون ریال	۳۰	۱۶
	کمتر از ۲۵ میلیون ریال	۱۰۰	۵۴
هزینه	۲۵ تا ۵۰ میلیون ریال	۵۳	۲۹
برنج‌کاری	۵۱ تا ۷۵ میلیون ریال	۱۴	۸
	۷۶ تا ۱۰۰ میلیون ریال	۸	۴
	بیش از ۱۰۰ میلیون ریال	۹	۵
	۲-۳ تن در هکتار	۲۶	۱۴
عملکرد در	۳/۱-۴ تن در هکتار	۷۶	۴۱
هکتار	۴/۱-۵ تن در هکتار	۶۷	۳۶
	۵/۱-۶ تن در هکتار	۱۳	۷
	بیش از ۶ تن در هکتار	۲	۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۴ توزیع فراوانی وضعیت پایداری در بین پاسخگویان را نشان می‌دهد. چنان‌که پیداست، از نظر پایداری اقتصادی، ۵۶ درصد پاسخگویان دارای وضعیت نیمه‌پایدار، ۴۲/۴ درصد دارای وضعیت ناپایدار و تنها ۱/۶ درصد دارای پایداری اقتصادی بوده‌اند. از نظر پایداری اجتماعی، ۵۸/۲ درصد پاسخگویان وضعیت نیمه‌پایدار، ۶/۵ درصد وضعیت ناپایدار و ۳۵/۳ درصد وضعیت پایدار داشته‌اند. توزیع فراوانی پاسخگویان از نظر پایداری کل نشان می‌دهد که ۷۲/۳ درصد آنها

دارای وضعیت نیمه پایدار، ۱۶/۸ درصد دارای وضعیت ناپایدار و ۱۰/۹ درصد از نظر هر دو بعد اقتصادی و اجتماعی، دارای پایداری بوده اند.

جدول ۴. توزیع فراوانی وضعیت پایداری در بین پاسخگویان

متغیر	گروه	فراوانی	درصد فراوانی
پایداری اقتصادی	ناپایدار	۷۸	۴۲/۴
	متوسط (نیمه پایدار)	۱۰۳	۵۶
	پایدار	۳	۱/۶
پایداری اجتماعی	ناپایدار	۱۲	۶/۵
	متوسط (نیمه پایدار)	۱۰۷	۵۸/۲
	پایدار	۶۵	۳۵/۳
پایداری کل	ناپایدار	۳۱	۱۶/۸
	متوسط (نیمه پایدار)	۱۳۳	۷۲/۳
	پایدار	۲۰	۱۰/۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق

### نتایج تحلیل استنباطی

به منظور بررسی رابطه تعاونی‌های تولید (ویژگی‌های ساختاری، مالی و مدیریتی) با پایداری اقتصادی و اجتماعی جوامع روستایی استان گیلان و همچنین مقایسه سطح پایداری اقتصادی و اجتماعی در میان افراد عضو شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و افراد غیرعضو از ضریب همبستگی پیرسون و آزمون مقایسه میانگین استفاده شد.

۱. آزمون فرضیه اول: بین ویژگی‌های ساختاری تعاونی‌های تولید روستایی و پایداری اجتماعی جوامع روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

ویژگی‌های ساختاری تعاونی‌های تولید روستایی در قالب چهار متغیر سابقه فعالیت شرکت تعاونی، تعداد اعضا، تعداد روستاهای زیر پوشش شرکت تعاونی و سطح زیر کشت شرکت تعاونی

بررسی شد؛ لذا فرضیه اول در قالب چهار فرضیه فرعی مورد آزمون قرار گرفت که نتایج آن به شرح زیر است:

فرضیه ۱.۱. بین سابقه فعالیت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و پایداری اجتماعی جوامع روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

مطابق نتایج جدول ۵، ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر پایداری اجتماعی و سابقه فعالیت شرکت تعاونی برابر با ۰/۲۷۶ است که به دلیل معنی‌دار بودن آزمون در سطح ۰/۰۱ درصد نشان می‌دهد بین دو متغیر رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و لذا فرضیه ۱.۱. تأیید می‌شود.

فرضیه ۲.۱. بین تعداد اعضای شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و پایداری اجتماعی جوامع روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

بر اساس نتایج جدول ۵، ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر پایداری اجتماعی و تعداد اعضای شرکت تعاونی برابر با ۰/۱۷۳ است که به دلیل معنی‌دار نبودن آزمون نشان می‌دهد بین دو متغیر رابطه‌ای وجود ندارد و لذا فرضیه ۲.۱. تأیید نمی‌شود.

فرضیه ۳.۱. بین تعداد روستاهای زیر پوشش شرکت تعاونی و پایداری اجتماعی جوامع روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

بر پایه نتایج جدول ۵، ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر پایداری اجتماعی و تعداد روستاهای زیر پوشش شرکت تعاونی برابر با ۰/۰۱۲ است که به دلیل معنی‌دار نبودن آزمون، حاکی از نبود رابطه بین این دو متغیر است و لذا فرضیه ۳.۱. تأیید نمی‌شود.

فرضیه ۴.۱. بین سطح زیر کشت شرکت تعاونی و پایداری اجتماعی جوامع روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر پایداری اجتماعی و سطح زیر کشت شرکت تعاونی برابر با ۰/۲۲۳ است که به دلیل معنی‌دار بودن آزمون در سطح ۰/۰۵ درصد، نشان می‌دهد بین دو متغیر رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و لذا فرضیه ۴.۱. تأیید می‌شود.

## جدول ۵. ضریب همبستگی ویژگی‌های ساختاری تعاونی‌ها با پایداری اجتماعی جوامع روستایی

P-Value	ضریب همبستگی	ویژگی‌های ساختاری
۰/۰۰۵	۰/۲۷۶	سابقه فعالیت شرکت تعاونی
۰/۰۸۰	۰/۱۷۳	تعداد اعضای شرکت تعاونی
۰/۹۰۶	۰/۰۱۲	تعداد روستاهای زیر پوشش شرکت تعاونی
۰/۰۲۳	۰/۲۲۳	سطح زیر کشت شرکت تعاونی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۲. آزمون فرضیه دوم: بین ویژگی‌های مالی تعاونی‌های تولید روستایی و پایداری اجتماعی جوامع روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

ویژگی‌های مالی تعاونی‌های تولید روستایی در قالب دو متغیر مقدار سرمایه و سرانه سرمایه شرکت تعاونی بررسی شد؛ لذا فرضیه دوم در قالب دو فرضیه فرعی مورد آزمون قرار گرفت که نتایج آن به شرح زیر است:

فرضیه ۱.۲. بین مقدار سرمایه شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و پایداری اجتماعی جوامع روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

بر اساس نتایج جدول ۶، ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر پایداری اجتماعی و مقدار سرمایه شرکت تعاونی برابر با ۰/۲۹۲ است که به دلیل معنی‌دار بودن آزمون در سطح ۰/۰۱ درصد، نشان می‌دهد بین این دو متغیر رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و لذا فرضیه ۱.۲ تأیید می‌شود.

فرضیه ۲.۲. بین سرانه سرمایه شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و پایداری اجتماعی جوامع روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

بر اساس نتایج جدول ۶، ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر پایداری اجتماعی و سرانه سرمایه شرکت‌های تعاونی برابر با ۰/۰۰۶- است که به دلیل معنی‌دار نبودن آزمون، حاکی از نبود رابطه معنی‌دار بین این دو متغیر است و لذا فرضیه ۲.۲ تأیید نمی‌شود.

**جدول ۶. ضریب همبستگی ویژگی‌های مالی تعاونی‌ها با پایداری اجتماعی جوامع روستایی**

P-Value	ضریب همبستگی	ویژگی‌های مالی
۰/۰۰۳	۰/۲۹۲	مقدار سرمایه شرکت تعاونی
۰/۹۴۹	-۰/۰۰۶	سرانه سرمایه شرکت تعاونی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۳. آزمون فرضیه سوم: بین ویژگی‌های مدیریتی تعاونی‌های تولید روستایی و پایداری اجتماعی جوامع روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

ویژگی‌های مدیریتی تعاونی‌های تولید روستایی در قالب دو متغیر تحصیلات و سابقه کار مدیرعامل بررسی شد؛ لذا فرضیه سوم در قالب دو فرضیه فرعی مورد آزمون قرار گرفت که نتایج آن به شرح زیر است:

فرضیه ۱.۳. بین سطح تحصیلات مدیران عامل شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و پایداری اجتماعی جوامع روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

با توجه به نتایج جدول ۷، ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر پایداری اجتماعی و سطح تحصیلات مدیرعامل شرکت تعاونی برابر با ۰/۰۱۰ است که به دلیل معنی‌دار نبودن آزمون، نشان می‌دهد بین این دو متغیر رابطه معنی‌داری وجود ندارد و لذا فرضیه ۱.۳ تأیید نمی‌شود.

فرضیه ۲.۳. بین سابقه کار مدیران عامل شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و پایداری اجتماعی جوامع روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

با توجه به نتایج جدول ۷، ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر پایداری اجتماعی و سابقه کار مدیرعامل شرکت تعاونی برابر با ۰/۰۲۴ است که به دلیل معنی دار نبودن آزمون، نشان می‌دهد بین این دو متغیر نیز رابطه معنی داری وجود ندارد و لذا فرضیه ۲.۳ تأیید نمی‌شود.

جدول ۷. ضریب همبستگی ویژگی‌های مدیریتی تعاونی‌ها با پایداری اجتماعی جوامع روستایی

P-Value	ضریب همبستگی	ویژگی‌های مدیریتی
۰/۹۲۱	۰/۰۱۰	تحصیلات مدیرعامل
۰/۸۱۰	۰/۰۲۴	سابقه کار مدیرعامل

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۴. آزمون فرضیه چهارم: بین ویژگی‌های ساختاری تعاونی‌های تولید روستایی و پایداری اقتصادی جوامع روستایی رابطه معنی داری وجود دارد.

همان‌طور که در بررسی فرضیه اول گفته شد، ویژگی‌های ساختاری تعاونی‌های تولید روستایی در قالب چهار متغیر سابقه فعالیت شرکت تعاونی، تعداد اعضا، تعداد روستاهای زیر پوشش شرکت تعاونی و سطح زیر کشت شرکت تعاونی بررسی شد؛ لذا فرضیه چهارم نیز مانند فرضیه اول در قالب چهار فرضیه فرعی مورد آزمون قرار گرفت که نتایج آن به شرح زیر است:

فرضیه ۱.۴. بین سابقه فعالیت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و پایداری اقتصادی جوامع روستایی رابطه معنی داری وجود دارد.

مطابق نتایج جدول ۸، ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر پایداری اقتصادی و سابقه فعالیت شرکت تعاونی برابر با ۰/۳۴۱ است که به دلیل معنی دار بودن آزمون در سطح ۰/۰۱ درصد، نشان می‌دهد بین دو متغیر رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد و لذا فرضیه ۱.۴ تأیید می‌شود.

فرضیه ۲.۴. بین تعداد اعضای شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و پایداری اقتصادی جوامع روستایی رابطه معنی داری وجود دارد.



بر اساس نتایج جدول ۸، ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر پایداری اقتصادی و تعداد اعضای شرکت تعاونی برابر با ۰/۴۵۳ است که به دلیل معنی‌دار بودن آزمون در سطح ۰/۰۱ درصد، نشان می‌دهد بین دو متغیر رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و لذا فرضیه ۲.۴ تأیید می‌شود. فرضیه ۳.۴. بین تعداد روستاهای زیر پوشش شرکت تعاونی و پایداری اقتصادی جوامع روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

بر پایه نتایج جدول ۸، ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر پایداری اقتصادی و تعداد روستاهای زیر پوشش شرکت تعاونی برابر با ۰/۱۲۴ است که به دلیل معنی‌دار نبودن آزمون، حاکی از نبود رابطه معنی‌دار بین این دو متغیر است و لذا فرضیه ۳.۴ تأیید نمی‌شود. فرضیه ۴.۴. بین سطح زیر کشت شرکت تعاونی و پایداری اقتصادی جوامع روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

بر پایه نتایج جدول ۸، ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر پایداری اقتصادی و سطح زیر کشت شرکت تعاونی برابر با ۰/۵۴۳ است که به دلیل معنی‌دار بودن آزمون در سطح ۰/۰۱ درصد، نشان می‌دهد بین دو متغیر رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و لذا فرضیه ۴.۴ تأیید می‌شود.

جدول ۸. ضریب همبستگی ویژگی‌های ساختاری تعاونی‌ها با پایداری اقتصادی جوامع روستایی

P-Value	ضریب همبستگی	ویژگی‌های ساختاری
۰/۰۰۰	۰/۳۴۱	سابقه فعالیت شرکت تعاونی
۰/۰۰۰	۰/۴۵۳	تعداد اعضای شرکت تعاونی
۰/۱۲۴	۰/۱۵۲	تعداد روستاهای زیر پوشش شرکت تعاونی
۰/۰۰۰	۰/۵۴۳	سطح زیر کشت شرکت تعاونی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۵. آزمون فرضیه پنجم: بین ویژگی‌های مالی تعاونی‌های تولید روستایی و پایداری اقتصادی جوامع روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

همان‌طور که در بررسی فرضیه دوم گفته شد، ویژگی‌های مالی تعاونی‌های تولید روستایی در قالب دو متغیر مقدار سرمایه و سرانه سرمایه شرکت تعاونی بررسی شد؛ لذا فرضیه پنجم نیز در قالب دو فرضیه فرعی مورد آزمون قرار گرفت که نتایج آن به شرح زیر است:

فرضیه ۱.۵. بین مقدار سرمایه شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و پایداری اقتصادی جوامع روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

بر پایه نتایج جدول ۹، ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر پایداری اقتصادی و مقدار سرمایه شرکت تعاونی برابر با  $0/549$  است که به دلیل معنی‌دار بودن آزمون در سطح  $0/01$  درصد، نشان می‌دهد بین دو متغیر رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و لذا فرضیه ۱.۵ تأیید می‌شود.

فرضیه ۲.۵. بین سرانه سرمایه شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و پایداری اقتصادی جوامع روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

بر اساس نتایج جدول ۹، ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر پایداری اقتصادی و سرانه سرمایه شرکت‌های تعاونی برابر با  $-0/098$  است که به دلیل معنی‌دار نبودن آزمون، حاکی از نبود رابطه معنی‌دار بین این دو متغیر است و لذا فرضیه ۲.۵ تأیید نمی‌شود.

جدول ۹. ضریب همبستگی ویژگی‌های مالی تعاونی‌ها با پایداری اقتصادی جوامع روستایی

P-Value	ضریب همبستگی	ویژگی‌های مالی
۰/۰۰۰	۰/۵۴۹	مقدار سرمایه شرکت تعاونی
۰/۳۲۰	-۰/۰۹۸	سرانه سرمایه شرکت تعاونی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۶. آزمون فرضیه ششم: بین ویژگی‌های مدیریتی تعاونی‌های تولید روستایی و پایداری اقتصادی جوامع روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

همان‌طور که در بررسی فرضیه سوم گفته شد، ویژگی‌های مدیریتی تعاونی‌های تولید روستایی در قالب دو متغیر تحصیلات و سابقه کار مدیرعامل بررسی شد؛ لذا فرضیه ششم نیز در قالب دو فرضیه فرعی مورد آزمون قرار گرفت که نتایج آن به شرح زیر است:  
فرضیه ۱.۶. بین سطح تحصیلات مدیران عامل شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و پایداری اقتصادی جوامع روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

بر اساس نتایج جدول ۱۰، ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر پایداری اقتصادی و سطح تحصیلات مدیرعامل شرکت تعاونی برابر با  $0/043$  است که به دلیل معنی‌دار نبودن آزمون، نشان می‌دهد بین این دو متغیر رابطه معنی‌داری وجود ندارد و لذا فرضیه ۱.۶ تأیید نمی‌شود.  
فرضیه ۲.۶. بین سابقه کار مدیران عامل شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و پایداری اقتصادی جوامع روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

بر پایه نتایج جدول ۱۰، ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر پایداری اقتصادی و سابقه کار مدیرعامل شرکت تعاونی برابر با  $0/090$  است که به دلیل معنی‌دار نبودن آزمون، نشان می‌دهد بین این دو متغیر نیز رابطه معنی‌داری وجود ندارد و لذا فرضیه ۲.۶ تأیید نمی‌شود.

جدول ۱۰. ضریب همبستگی ویژگی‌های مدیریتی تعاونی‌ها با پایداری اقتصادی جوامع روستایی

P-Value	ضریب همبستگی	ویژگی‌های مدیریتی
۰/۶۶۶	۰/۰۴۳	تحصیلات مدیرعامل
۰/۳۶۳	۰/۰۹۰	سابقه کار مدیرعامل

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۷. آزمون فرضیه هفتم: بین افراد عضو شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و افراد غیرعضو از نظر سطح پایداری اقتصادی و اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

برای بررسی این فرضیه از آزمون مقایسه میانگین استفاده شد. به این منظور، میانگین نمره پایداری اقتصادی، پایداری اجتماعی و پایداری کل اعضای شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و

افراد غیرعضو با یکدیگر مقایسه شدند. بنابراین، با توجه به بررسی تفاوت گروه‌ها در سه بعد پایداری اجتماعی، اقتصادی و کل، فرضیه هفتم نیز در قالب سه فرضیه فرعی مورد آزمون قرار گرفت که نتایج آن به شرح زیر است:

فرضیه ۱.۷. بین افراد عضو شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و افراد غیرعضو از نظر سطح پایداری اقتصادی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

آزمون مقایسه میانگین نشان می‌دهد که بین کشاورزان عضو تعاونی‌های تولید روستایی و کشاورزان غیرعضو بر اساس میزان پایداری اقتصادی اختلاف معنی‌داری در سطح یک درصد وجود دارد؛ به عبارت دیگر، می‌توان با احتمال ۹۹ درصد بیان کرد که بین میزان پایداری اقتصادی کشاورزان عضو تعاونی‌های تولید روستایی و میزان پایداری اقتصادی کشاورزان غیرعضو تفاوت وجود دارد. با توجه به میانگین هر گروه نیز می‌توان گفت که کشاورزان عضو تعاونی‌های تولید روستایی در مقایسه با کشاورزان غیرعضو از پایداری اقتصادی بالاتری برخوردارند (جدول ۱۱).

فرضیه ۲.۷. بین افراد عضو شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و افراد غیرعضو از نظر سطح پایداری اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

آزمون مقایسه میانگین نشان می‌دهد که بین کشاورزان عضو تعاونی‌های تولید روستایی و کشاورزان غیرعضو بر اساس میزان پایداری اجتماعی اختلاف معنی‌داری وجود ندارد. مقایسه میانگین پایداری اجتماعی بین کشاورزان عضو و غیرعضو مبین آن است که میانگین پایداری اجتماعی کشاورزان عضو تعاونی‌های تولید روستایی برابر با ۰/۵۷۴ و میانگین پایداری اجتماعی کشاورزان غیرعضو برابر با ۰/۵۷۷ است؛ بنابراین، با توجه به میزان پایداری اجتماعی دو گروه مورد بررسی و نتیجه آزمون مقایسه میانگین، تعاونی‌های تولید روستایی تأثیری در پایداری اجتماعی کشاورزان عضو این تعاونی‌ها نداشته‌اند (جدول ۱۱).

فرضیه ۳.۷. بین افراد عضو شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و افراد غیرعضو از نظر سطح پایداری کل تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

آزمون مقایسه میانگین نشان می‌دهد که بین کشاورزان عضو تعاونی‌های تولید روستایی و کشاورزان غیرعضو بر اساس میزان پایداری کل اختلاف معنی‌داری در سطح ۱۰ درصد وجود دارد؛ به عبارت دیگر، می‌توان با احتمال ۹۰ درصد بیان کرد که بین میزان پایداری کل کشاورزان عضو تعاونی‌های تولید روستایی و میزان پایداری کل کشاورزان غیرعضو تفاوت وجود دارد. با توجه به میانگین هر گروه نیز می‌توان گفت که کشاورزان عضو تعاونی‌های تولید روستایی در مقایسه با کشاورزان غیرعضو از پایداری کل بالاتری برخوردارند (جدول ۱۱).

جدول ۱۱. مقایسه میانگین ابعاد پایداری در دو گروه اعضای شرکت‌های تعاونی و افراد غیرعضو

متغیر گروه‌بندی	گروه‌ها	میانگین گروه‌ها	مقدار t	سطح معنی‌داری
پایداری اقتصادی	کشاورزان عضو	۰/۴۳۱	۳/۵۳	۰/۰۰۱
	کشاورزان غیرعضو	۰/۳۸۰		
پایداری اجتماعی	کشاورزان عضو	۰/۵۷۴	-۰/۱۵	۰/۸۷۶
	کشاورزان غیرعضو	۰/۵۷۷		
پایداری کل	کشاورزان عضو	۰/۵۰۳	۱/۸۷	۰/۰۷۸
	کشاورزان غیرعضو	۰/۴۷۹		

مأخذ: یافته‌های تحقیق

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این مطالعه، برای آزمون فرضیه‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و مقایسه میانگین استفاده شد که به اجمال، نتایج زیر به دست آمد:

در چارچوب فرضیه ۱ و اجزای آن، رابطه ویژگی‌های ساختاری تعاونی‌های تولید روستایی در قالب چهار متغیر سابقه فعالیت شرکت تعاونی، تعداد اعضا، تعداد روستاهای زیر پوشش شرکت تعاونی و سطح زیر کشت شرکت تعاونی با پایداری اجتماعی جوامع روستایی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بررسی و نتیجه‌گیری شد میان سابقه فعالیت و سطح زیر کشت شرکت تعاونی با پایداری اجتماعی جوامع روستایی رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد، اما میان تعداد روستاهای

زیر پوشش شرکت تعاونی و تعداد اعضا با پایداری اجتماعی جوامع روستایی رابطه‌ای مشاهده نشد.

در چارچوب فرضیه ۲ و اجزای آن، رابطه ویژگی‌های مالی تعاونی‌های تولید روستایی در قالب دو متغیر مقدار سرمایه و سرانه سرمایه شرکت تعاونی با پایداری اجتماعی جوامع روستایی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بررسی و نتیجه‌گیری شد میان مقدار سرمایه شرکت‌های تعاونی با پایداری اجتماعی جوامع روستایی رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد، اما میان سرانه سرمایه این شرکت‌ها با پایداری اجتماعی جوامع روستایی رابطه‌ای مشاهده نشد.

در چارچوب فرضیه ۳ و اجزای آن، رابطه ویژگی‌های مدیریتی تعاونی‌های تولید روستایی در قالب دو متغیر تحصیلات و سابقه کار مدیرعامل با پایداری اجتماعی جوامع روستایی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بررسی و نتیجه‌گیری شد میان این دو متغیر و در نتیجه، بین ویژگی‌های مدیریتی تعاونی‌های تولید با پایداری اجتماعی جوامع روستایی رابطه‌ای معنی‌دار وجود ندارد.

در چارچوب فرضیه ۴ و اجزای آن، رابطه ویژگی‌های ساختاری تعاونی‌های تولید روستایی در قالب چهار متغیر یادشده در فرضیه ۱ با پایداری اقتصادی جوامع روستایی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بررسی و نتیجه‌گیری شد میان سابقه فعالیت، تعداد اعضا و سطح زیر کشت شرکت‌های تعاونی با پایداری اقتصادی جوامع روستایی رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد، اما میان تعداد روستاهای زیر پوشش این شرکت‌ها با پایداری اقتصادی جوامع روستایی رابطه‌ای مشاهده نشد.

در چارچوب فرضیه ۵ و اجزای آن، رابطه ویژگی‌های مالی تعاونی‌های تولید روستایی در قالب دو متغیر یادشده در فرضیه ۲ با پایداری اقتصادی جوامع روستایی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بررسی و نتیجه‌گیری شد میان مقدار سرمایه شرکت‌های تعاونی با پایداری

اقتصادی جوامع روستایی رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد، اما میان سرانه سرمایه این شرکت‌ها با پایداری اقتصادی جوامع روستایی رابطه‌ای مشاهده نشد.

در چارچوب فرضیه ۶ و اجزای آن، رابطه ویژگی‌های مدیریتی تعاونی‌های تولید روستایی در قالب دو متغیر یادشده در فرضیه ۳ با پایداری اقتصادی جوامع روستایی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بررسی و نتیجه‌گیری شد میان این دو متغیر و در نتیجه، بین ویژگی‌های مدیریتی تعاونی‌های تولید با پایداری اقتصادی جوامع روستایی رابطه‌ای معنی‌دار وجود ندارد.

در کل، گفتنی است که رابطه بین عوامل مذکور و پایداری اقتصادی به مراتب قوی‌تر از رابطه آنها با پایداری اجتماعی است.

در چارچوب فرضیه ۷ و اجزای آن، آزمون مقایسه میانگین نشان داد که کشاورزان عضو تعاونی‌های تولید روستایی در مقایسه با کشاورزان غیرعضو از پایداری اقتصادی بالاتری برخوردارند و این تفاوت به لحاظ آماری معنی‌دار است. اما آزمون مقایسه میانگین در مورد میزان پایداری اجتماعی بین کشاورزان عضو تعاونی‌های تولید روستایی و کشاورزان غیرعضو تفاوت معنی‌داری را نشان نداد. همچنین آزمون مقایسه میانگین نشان داد که بین کشاورزان عضو تعاونی‌های تولید روستایی و کشاورزان غیرعضو بر اساس میزان پایداری کل اختلاف معنی‌داری وجود دارد به نحوی که کشاورزان عضو تعاونی‌های تولید روستایی در مقایسه با کشاورزان غیرعضو از پایداری کل بالاتری برخوردارند.

مقایسه میانگین پایداری اجتماعی در میان شالی‌کاران عضو و غیرعضو تفاوت معنی‌داری را بین دو گروه نشان نداد. این امر بدان معنی است که شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در زمینه پایداری اجتماعی تأثیری بر اعضا نداشته‌اند. برای افزایش پایداری اجتماعی و کاهش احتمال به‌مخاطره‌افتادن این بعد از پایداری می‌بایست تلاش‌های اولیه بر بهبود انسجام اجتماعی متمرکز گردد. انسجام اجتماعی دلالت بر توافق جمعی میان افراد یک جامعه دارد؛ به عبارت دیگر، انسجام اجتماعی شکلی از ارتباط است که نشان می‌دهد افراد، نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های مختلف در

سطوح گوناگون قابلیت همکاری با یکدیگر را دارند؛ لذا مزیت شالی کاران عضو شرکت‌های تعاونی در مقایسه با شالی کاران غیرعضو این است که اعضای تعاونی‌ها از سازمان و سازوکارهایی اجتماعی برخوردارند که غیراعضا از آن بی‌نصیب‌اند. بنابراین، تعاون و سازمان تعاونی می‌تواند بستر مناسبی برای تقویت مناسبات اجتماعی و همسو نمودن منافع و اهداف شالی کاران به شمار رود. اصل هفتم از اصول بین‌المللی تعاون نیز توجه به جامعه است که بر اساس آن تعاونی‌ها با تصویب سیاست‌ها توسط اعضا برای پایداری جوامع خود فعالیت می‌کنند. لذا شرکت‌های تعاونی تولید روستایی استان لازم است با توجه بیشتر به اصول فراموش‌شده تعاون، همچون اصل هفتم، اقدامات فراگیری در راستای بازسازی اجتماعی و ساماندهی تعاملات اجتماعی فی‌مابین اعضا صورت دهند. به نظر می‌رسد تمرکز بیش‌ازحد تعاونی‌های تولید بر جنبه‌های اقتصادی فعالیت خود، موجب غفلت از مؤلفه‌های اجتماعی این سازمان‌ها شده است. از آنجاکه مؤلفه‌های اجتماعی، مانند انسجام اجتماعی، با تسهیل ارتباطات و افزایش پیوستگی درون‌سازمانی می‌توانند به‌عنوان نرم‌افزاری برای پیشبرد اهداف اقتصادی مورد استفاده قرار گیرند، لذا هراندازه انسجام اجتماعی تعاونی‌ها افزایش یابد، پایداری اجتماعی بهبود می‌یابد ضمن اینکه می‌توان از ظرفیت‌های ایجادشده به‌واسطه افزایش انسجام اجتماعی، در راستای ارتقای پایداری اقتصادی نیز استفاده نمود. از جنبه اقتصادی نیز اگرچه شالی کاران عضو تعاونی‌های تولید در مقایسه با شالی کاران غیرعضو پایداری اقتصادی بالاتری دارند، اما در زمینه‌هایی همچون مصرف کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات در واحد سطح، عملکردشان در سطحی ناپایدار قرار دارد. بخش عمده فعالیت تعاونی‌های تولید به تأمین و توزیع نهاده‌های تولید اختصاص دارد. به همین دلیل، این شرکت‌ها توانسته‌اند با تأمین بهتر نهاده‌ها برای اعضای خود، در مقایسه با شالی کاران غیرعضو، دسترسی بیشتری برای اعضا فراهم نمایند. این در حالی است که ضعف تعاونی‌ها در ارائه آگاهی‌های فنی به اعضای خود در زمینه میزان مجاز مصرف کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات موجب مصرف بی‌رویه این دو نهاده توسط اعضای تعاونی‌ها شده است؛ بنابراین، با توجه به اهمیت آموزش در نظام تعاونی، آموزش‌های لازم در خصوص مقدار بهینه مصرف نهاده‌های تولید باید به اعضا ارائه



شود. همچنین ضرورت دارد مقدار نهاده‌های تحویلی به هریک از اعضا متناسب با سطح زیر کشت آنها تعیین گردد.

### منابع

- افتخاری، ع.ر. و آقاباری هیر، م. (۱۳۸۶). سطح‌بندی پایداری توسعه روستایی: مطالعه موردی بخش هیر. پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۱، ۳۱ - ۴۴.
- پزشکی‌راد، غ. و کیانی‌مهر، ح. (۱۳۸۰). نقش شرکتهای تعاونی تولید روستایی در بهبود وضعیت فنی و اقتصادی کشاورزان گندمکار شهرستان سبزوار. اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۳۴، ۳۴۳ - ۳۶۲.
- پورکند، ش. و معتمد، م.ک. (۱۳۸۹). نقش شرکتهای تعاونی تولید روستایی در دستیابی به توسعه پایدار در تولید. اولین همایش ملی کشاورزی پایدار و تولید محصول سالم. اصفهان، مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی اصفهان.
- ترکمان، م. و افشار، م. (۱۳۸۹). بررسی نقاط ضعف و قوت و ضعف مدیران و راههای بهبود مهارتهای مدیریتی در شرکتهای تعاونی فعال اشتغالزای استان همدان. تعاون و کشاورزی، شماره ۲، ۱۱۱ - ۱۳۱.
- دارچینی، م. (۱۳۹۱). نقش تعاونی‌های روستایی در توسعه پایدار مناطق روستایی استان گیلان. فصلنامه تعاون و روستا، شماره ۱۰، ص ۶۹ - ۹۸.
- زمانی، غ. و ابدی، ب. (۱۳۸۸). عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت کشاورزان در تأسیس تعاونیهای آبخیزداری استان فارس. تعاون، شماره ۲۱۰ و ۲۱۱، ۱۱۷ - ۱۳۴.
- طرفی‌علیوی، ع.، زرنگار، ح. و رحیمیان، م. (۱۳۸۹). تعاونی‌های تولید روستایی گامی برای نیل به کشاورزی پایدار. فصلنامه تعاون و روستا، شماره ۲ و ۳، ۱۲۵ - ۱۴۶.

عریبون، ا.، کلانتری، خ.، اسدی ع. و شعبانعلی فمی، ح. (۱۳۸۸). سنجش سطح پایداری نظام کشت گندم در استان فارس و تعیین عوامل مؤثر بر آن. علوم ترویج و آموزش کشاورزی / ایران، شماره ۲، ۱۷ - ۲۸.

قدیری م.، ضیانوشین، م.م. و امین خراسانی، م.ا. (۱۳۸۹). پایداری اقتصادی و رابطه آن با ویژگیهای مکانی - فضایی: مطالعه موردی روستاهای دهستان کوهین شهرستان کبودرآهنگ. فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۲، ۱ - ۲۹.

قزل، ع. و کوهستانی، ح. (۱۳۸۹). بررسی جایگاه تعاونیهای تولید روستایی در تولید محصولات کشاورزی با تأکید بر محصولات استراتژیک (بررسی موردی استان گلستان). تعاون و روستا، شماره ۴ و ۵، ۷۹ - ۹۷.

نصیری، ا. (۱۳۸۹). آثار تشکیل تعاونیهای تولید کشاورزی بر بهبود شاخصهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اعضا: مطالعه موردی روستاهای شهرستان زنجان. فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۳، ۱۲۷ - ۱۴۵.

Bello, D. A. (2005). *The role of cooperative societies in economic development*.

MPRA. ISBN: 978-1-78973-008-1, eISBN: 978-1-78973-007-4,

Publication date: 20 May 2005.

Gibson, R., & Intern, S. (2005). *The role of co-operatives in community economic development*. RDI Working paper, 137-152.

Kshetrimayum, O. (2011). Rethinking Cooperatives in rural development: a case study of handloom weavers' cooperatives in Manipur. *Labor & Development*, Vol. 18, 66 - 79.

Pinto, A.C. (2009). Agricultural cooperatives and farmer's organizations: role in rural development and poverty reduction. Swedish Cooperative Center. *Procedia Engineering*, Vol. 9, 230-248.

Taylor, T. (2009). The importance of cooperation in rural development: access to sustainable energy services in rural Kenya and Morocco. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, Vol. 28, 500-509.



## The Role of Rural Production Cooperatives in Sustainable Social and Economic Development of Rural Communities of Guilan Province

*F. Keshavarz Shal<sup>1</sup>, J. Azizi<sup>2\*</sup>, M. Niknejad<sup>3</sup>*

Received: Jan 18, 2019 Accepted: Jun 09, 2019

### **Abstract**

Rural production cooperatives, as organizations that had at the same time strong economic and social dimensions, form an important part of the organization formed by the membership and management of villagers. Regarding the role and importance of these companies in sustainable rural development, the overall aim of this study is to investigate the role of rural production cooperatives in sustainable social and economic development of rural communities of Guilan province. This research was descriptive-correlational. Data was collected using a questionnaire from 184 members and non-members selected by cluster sampling. Validity of the questionnaire was confirmed by a panel of experts and exploratory factor analysis and its reliability was confirmed by Cronbach's alpha. The research findings show that more than half of the members and non-members are assessed for the level of economic stability, social sustainability and overall sustainability at the semi-sustained level, and only a small fraction of the beneficiaries are in sustainable conditions. The results of the research showed that there was a significant difference between the members of the rural production cooperatives in terms of economic stability, while there was no difference in terms of social stability between the two groups. Also, structural and financial factors of production cooperatives had, a positive and significant relationship with both economic and social sustainability, but the relationship between managerial characteristics of production cooperatives and economic and social sustainability is not statistically significant.

**Keywords:** Cooperatives Rural Production, Economic Sustainability, Social Sustainability, Guilan.

---

1. Assistant Professor, Center of Agricultural Research of Guilan, Rasht, Iran

2. Associate Professor, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran

\*Corresponding Author

jafar574@yahoo.com

3. Specialist at the Rural Cooperation Ministry of Guilan, Rasht, Iran